

«گواهی خلاف واقع و جعل در اسناد پزشکی»

مرتضی عرب*

مقدمه:

در حال حاضر هزاران فقره گواهی در حوزه های مختلف جامعه صادر و در اختیار متقاضیان قرار می گیرد، در این خصوص سازمان تامین اجتماعی از این امر مستثنی نبوده و بنا به درخواست بیمه شدگان، کارفرمایان و کارکنان گواهی های متعدد و متفاوتی جهت ایشان صادر می نماید. بنا به اهمیت این بحث بالاخص در حوزه درمان تامین اجتماعی و با توجه به ماهیت عمل و فعالیت بخش درمان، این امر از اهمیت ویژه ای در این حوزه برخوردار خواهد بود. ازسوی دیگر اعمال درمانی در مراکز مزبور مستند و در پرونده های پزشکی ضبط و به شیوه مناسبی نگهداری می شوند، اهمیت اسناد پزشکی و بیمارستانی از دو جهت (درمانی و حقوقی) حائز اهمیت است و همین امر تمهیدات ویژه ای را جهت حفظ و نگهداری اسناد مزبور می طلبد. یکی از مواردی که امنیت اسناد بیمارستانی را برهم زده و به مخاطره می اندازد بحث جعل در اسناد پزشکی است. به رغم تنوع و گستردگی اقسام گواهی های خلاف واقع در حوزه تامین اجتماعی و نیز جعل اسناد پزشکی تاکنون یک مطالعه منسجم و همه جانبه درخصوص موضوع صورت نپذیرفته، لذا این تنوع و گستردگی از یک طرف و عدم توجه کافی به تبیین مقررات مربوطه ازسوی دیگر، ضرورت و اهمیت تحقیق درخصوص موضوع را نمایان می کند و با توجه به این که قوانین کیفری خاصی در قانون تامین اجتماعی موجود می باشد جای این سؤال را باقی می گذارد که آیا مقررات کیفری مزبور پاسخگوی نیازهای مخاطبان بوده و آیا تمامی

* کارشناس ارشد حقوق جزا، رئیس و کارشناس ارشد حقوقی مدیریت درمان استان چهارمحال و

مصادیق راجع به موضوع مذکور را می‌توانند در بر گیرند یا خیر؟ و آیا سیاست‌های کیفری مقررات موجود راجع به صدور گواهی‌های خلاف واقع و جعل اسناد پزشکی، درخصوص تأمین اهداف مقنن سیاست کارامدی می‌باشد یا نه؟

آیا ویژگی «سند پزشکی بودن» در نگاه قانونگذار اهمیت داشته و بدان توجه گردیده است یا خیر؟ و قانونگذار چه اعتبار و ضمانت اجرایی درخصوص تعرض به این گونه قبیل اسناد پیش‌بینی نموده است؟ در هر حال در این مجموعه سعی گردیده درخصوص دو جرم صدور گواهی خلاف واقع در مجموعه تأمین اجتماعی و جعل اسناد پزشکی مطالعه‌ای مبتنی بر تجزیه و تحلیل مطالب گردآوری شده و به منظور آسیب شناسی مقررات مزبور صورت پذیرد تا بتوانیم پاسخی جهت پرسش‌های مذکور بیابیم.

بخش اول: گواهی خلاف واقع

گفتار اول: صدور گواهی خلاف واقع

برخی اسناد وجود دارند که با وجود عدم جعلیت آنها و به لحاظ این که از طرف یک مقام ذی صلاح صادر می‌شوند و مبنای استفاده از یک سری امتیازات و منافع هستند، لکن به جهت برخلاف واقع بودنشان ارائه آنها مواجه با ضمانت اجراهای کیفری شده و برای ارائه‌کنندگان چنین اسنادی مجازات‌هایی متفاوت در قوانین مختلف پیش‌بینی گردیده است، از جمله می‌توان به مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۶۷ قانون تجارت، ماده ۷۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی اشاره نمود. این جرائم با وجود این که در بسیاری از موارد موجب بردن مال می‌شود، در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی و نه جرائم علیه اموال طبقه‌بندی شده است که نشانگر توجه به ابعاد غیر مالی آن یعنی سلب اعتماد عمومی و نیز ضررهای غیرمالی دیگری است که ممکن است، از ارتکاب آنها به

اشخاص وارد شود.^۱ در قانون مجازات اسلامی جرائم مربوط به صدور گواهی‌های خلاف واقع در ذیل عنوان جعل آمده‌اند. در حالی که به اعتقاد برخی حقوق دانان گواهی‌های خلاف واقع هیچ‌گاه مجعول نیستند «چرا که هیچ‌کس خدشه‌ای در اصل گواهی‌ها و حتی در استناد آنها به شخص صادرکننده وجود ندارد، بلکه آنها صرفاً حاوی اطلاعات دروغ و تنها گزارش خلاف واقع می‌باشند و ما اگر بخواهیم صرف ارائه اطلاعات دروغ را جعل محسوب کنیم، همه روزه باید ده‌ها نفر را به محاکمه بکشیم».^۲

لکن عده‌ی دیگری از حقوق‌دانان صدور گواهی خلاف واقع را جعل می‌دانند.^۳ در مباحث آتی به این موضوع پرداخته خواهد شد.

به جز مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی همانطور که قبلاً نیز اشاره گردید یکی از مواد متفرقه که به گواهی‌های خلاف واقع اشاره نموده است، ماده ۱۰۵ قانون تامین اجتماعی می‌باشد که در این نوشتار ما با تمرکز بر روی ماده اخیرالذکر و با محور قرار دادن ماده مزبور به تحلیل آن پرداخته و در ضمن آن به سایر مقررات عام راجع به صدور گواهی خلاف واقع خواهیم پرداخت.

مبحث اول: عناصر متشکله

بند اول: عنصر قانونی

عنصر قانونی صدور گواهی خلاف واقع در قانون تامین اجتماعی ماده ۱۰۵ این قانون می‌باشد، براساس این ماده «تمامی کسانی که گواهی آنان مجوز استفاده از مزایای

۱. میرمحمدصادقی. حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ سوم، ص ۲۴۰.

۲. همان، ص ۲۸۱.

۳- پیمانی. ضیاءالدین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.

۴. شامبیاتی. هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم، انتشارات ژوبین/مجد، چاپ چهارم،

مقرر در این قانون می‌باشد، در صورت صدور گواهی خلاف واقع علاوه بر جبران خسارت به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد.»

بند دوم: عنصر مادی

بنابر آنچه معمول است، عنصر مادی این جرم را می‌توان در سه قسمت: رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه مجرمانه مورد بحث قرار داده و به آن پرداخت.

الف: رفتار فیزیکی

عمل مادی که از مرتکب سر می‌زند با توجه به عبارت «... در صورت صدور ...»، «صادر کردن» است، صادر کردن به معنای محصول کشوری را به کشورهای دیگر فرستادن و نیز انجام دادن تشریفات صدور شناسنامه (سجل) یا ورقه مالکیت و امثال آن آمده است^۱ که در اینجا با توجه به موضوع، مد نظر قانونگذار معنای دوم تفسیر می‌گردد.

ب: شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم

۱- گواهی مبتنی بر جواز استفاده از مزایا

وفق ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی، صدور گواهی می‌تواند، مشمول ماده مذکور گردد که این گواهی جواز استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی بوده و در عین حال خلاف واقع صادر شده باشد. حال این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که کدام یک از گواهی‌ها منجر به استفاده از مزایای مذکور می‌شود و به عبارت دیگر کدام گواهی‌ها جواز استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی می‌باشند؟

۱-۱- گواهی پزشکی

۱-۱-۱- گواهی استراحت

چنانچه پزشک معالج کارگر بیمه شده، گواهی نماید که وی به علت بیماری یا وقوع حادثه نیاز به استراحت دارد، در این صورت چنانچه مدت استراحت یک تا شصت روز باشد توسط پزشک معتمد سازمان تأیید و در صورتی که شصت روز به بالا باشد، حسب مورد در شورا یا کمیسیون پزشکی مطرح و پس از تأیید مرجع مذکور، از مزایای غرامت ایام بیماری استفاده می‌نماید.

۲-۱-۱- گواهی از کارافتادگی

به موجب این گواهی پزشک با توجه به نوع و شدت بیماری، درصد از کارافتادگی فرد را تعیین و گواهی مکتبی نماید، در این صورت چنانچه موضوع در کمیسیون‌های پزشکی سازمان تامین اجتماعی تأیید گردد، بیمه شده می‌تواند، از مزایای مذکور که شامل مستمری از کارافتادگی جزئی و کلی می‌شود استفاده نماید.

همانگونه که مبرهن است در هر دو قسم گواهی‌های صدر اشاره، صادر کننده گواهی‌های مزبور پزشک می‌باشد. ماده ۵۳۹ ق.م.ا.ج جهت صدور تصدیق نامه خلاف واقع توسط طبیب، حکم و مجازات خاصی را پیش بینی و در نظر گرفته است. اولین سئوالی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که به چه کسی طبیب گفته می‌شود و اطلاق کلمه طبیب کدام یک از رشته‌های پزشکی را در بر می‌گیرد؟

در هیچ یک از قوانین و مقررات مربوط به امور پزشکی تعریف از پزشک ارائه نشده است، تعریف سازمان بهداشت جهانی از پزشک چنین است: «شخصی که با موفقیت دوره متوسطه را طی کرده و دوره علوم پزشکی را در یکی از دانشگاه‌های شناخته شده مملکتی که در آن متوطن است گذرانده و اجازه اشتغال به حرفه مستقل بدون نیاز به قیومیت و نظارت را به دست آورده باشد».^۱

پزشک در اصطلاح لغوی یعنی کسی که به درد بیماران رسیدگی می‌کند و به تدبیر و دارو شفا بخشد.^۲

۱- نفیسی. ابوتراب، پزشک را بهتر بشناسیم و با وظایف او آشنا شویم، مجله علمی نظام پزشکی، شماره پنجم، سال ۱۳۴۹ به نقل از: شهریور. فرهان، جرائم و تخلفات پزشکی در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، سال ۱۳۷۷.

۲- دهخدا. علی‌اکبر، لغت‌نامه، جلد ۱۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۸، ص ۱۱۱.

پزشک کسی است که بیماران را معالجه می‌کند.^۱

پزشک کسی است که تداوای امراض کند، کسی است که مرض را معالجه و دستور دوايي برای بهبود دهد، کسی که حرفه‌اش معالجه بیماران و مرضی باشد.^۲
در ق.م.ا. کلمه طبیب به کار رفته، فلذا شناخت مفهوم طبیب و این که منظور از طبیب مندرج در ق.م.ا. کیست حائز اهمیت می‌باشد، به عنوان مثال آیا افرادی همچون دکترهای داروسازی، علوم آزمایشگاهی، دندانپزشک و لیسانسیه‌های مامایی را می‌توان داخل در کلمه طبیب دانست و مسئولیت های کیفی مندرج در ق.م.ا. را بر آنها بار نمود یا خیر؟

طبیب کسی است که علم طب بداند و در اصطلاح، طب، عملی است که حالات بدن انسان، روان او و روش های جراحی او را مورد عنایت قرار داده است^۳ و نیز طبق ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون اجازه تأسیس مطب، مطب به محلی اطلاق می‌شود که پزشک در آن محل اعم از بخش خصوصی یا خیریه یا آزاد به طبابت می‌پردازد.

در این جا می‌بینیم که عمل طبابت به پزشک نسبت داده شده و نیز با توجه به مفهوم لغوی و اصطلاحی پزشک و طبیب می‌بینیم که هر دو به درمان بیمار و معالجه بیمار پرداخته و دارای یک مفهوم است و لذا از آن جا که افرادی همچون دکترهای داروسازی و علوم آزمایشگاهی وظیفه معالجه و درمان به معنای خاص برعهده‌شان نیست از شمول کلمه طبیب مندرج در ق.م.ا. خارج خواهند بود، چرا که تفسیر مضیق قوانین کیفی نیز همین اقتضا را دارد.

لیسانسه‌های مامایی نیز هر چند مجاز به نسخه‌نویسی و تجویز دارو طبق مقررات هستند اما وقتی به شرح وظایف آنها مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم تنها دارای وظیفه

۱- عمید. حسن، فرهنگ فارسی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵، ص. ۵۵.

۲- معین. محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱، ص. ۱۷۷.

۳- عبادی، شیرین، حقوق پزشکی، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص. ۲۲.

مراقبتی، توصیه‌های بهداشتی، معاینه و در صورت وجود بیماری ارجاع به پزشک جهت درمان می‌باشند.^۱

اما درخصوص دندانپزشک باید گفت:

اولاً: دندانپزشکی نوعی طبابت محسوب است.

ثانیاً: دندانپزشک و پزشک هر دو از یک نظام تبعیت می‌کنند.

ثالثاً: ماده یک آیین‌نامه انتظامی پزشکی، پزشک و دندانپزشک را به طور مطلق

پزشک نامیده و از ذکر عنوان دندانپزشک به طور مجزا امتناع نموده است.

فلذا به نظر می‌رسد با توجه به مطالب فوق‌الذکر مقصود از کلمه طبیب مندرج در

ق.م.ا، پزشک اعم از عمومی، متخصص و دندانپزشک باشد. در تایید این نظر و

درخصوص کلمه طبیب مندرج در ماده ۵۳۹ ق.م.ا. آمده است «طبیب در اینجا به معنای

خاص آن می‌باشد، بنابراین کسانی که در رشته‌های پیراپزشکی فعالیت می‌کنند، مشمول

این ماده نخواهند بود (مانند ماما). دلیل این امر آن است که به موجب مقررات کنونی و

همان‌گونه که اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۶۰۷۳۰ مورخ ۶۱/۱۱/۲۱ آورده

است گواهی این افراد منشا اثر نیست».^۲

سؤال دیگر این که اگر پزشکی گواهی برخلاف واقع مبنی بر استراحت و یا

ازکارافتادگی صادر و در اختیار فرد بیمه شده قرار دهد آیا فرد خاطی را می‌بایست

مشمول ماده ۵۳۹ ق.م.ا. قرار داد و یا این که وفق ماده ۱۰۵ قانون تامین اجتماعی با وی

رفتار خواهد شد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت ماده ۵۳۹ ق.م.ا. زمانی طبیب را مسئول و

مستحق مجازات وفق ماده مزبور می‌داند که گواهی صادره اولاً: خلاف واقع بوده و

ثانیاً: گواهی مذکور برای معافیت شخص از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا

برای تقدیم به مراجع قضایی صادر و ارائه شده باشد. فلذا همان‌گونه که مشاهده

۱- آشنایی با دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مرتبط با دفتر کار مامایی و برخی از قوانین و مقررات، معاونت درمان و دارویی، انتشارات روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

۲- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، جلد اول، نشر فیض، چاپ سوم،

می‌گردد، گواهی استراحت و ازکارافتادگی که جهت ارائه به سازمان تأمین اجتماعی صادر می‌گردد از ماده ۵۳۹ خروج موضوعی داشته و مصادیق بیان شده مشمول ماده ۵۳۹ ق.م.ا. نخواهند بود. از طرف دیگر مصادیق مذکور را می‌توان مشمول ماده ۵۴۰ ق.م.ا. دانست و حکم ماده مزبور را با وجود سایر شرایط بر مصادیق فوق بار نمود. پس از یک طرف می‌توان پزشک صادر کننده گواهی خلاف راجع به استراحت پزشکی و ازکارافتادگی را مشمول ماده ۵۴۰ ق.م.ا. و از طرف دیگر مشمول ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی دانست. حال در چنین شرایطی عمل پزشک را باید مشمول کدام یک از موارد فوق الذکر قرار داد؟ آیا باید صدور گواهی خلاف واقع مزبور را مشمول ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی دانسته و مجازات حبس از ۶۱ روز تا ۶ ماه را نسبت به او اعمال نماییم و یا این که عمل را مشمول ماده ۵۴۰ ق.م.ا. قرار داده و پزشک را مستحق مجازات به میزان تا ۷۴ ضربه شلاق و یا ۲۰۰ هزار تا ۲ میلیون ریال جزای نقدی بدانیم؟ به عبارت دیگر با توجه به این که ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی درخصوص صدور گواهی خلاف واقع در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسیده و از طرفی ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی درخصوص صدور گواهی‌های خلاف واقعی که مجوز استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی می‌باشد (قانون خاص) در سال ۱۳۵۴ مصوب گردیده است، آیا با تصویب ماده ۵۴۰ ق.م.ا. که از لحاظ زمان تصویب موخر بر قانون تأمین اجتماعی می‌باشد آیا ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی را می‌توان نسخ شده تلقی نمود یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال نظر اصولیین محل اختلاف است و به عبارتی در مبحث عام و خاص هرگاه حکم عام موخر بر حکم خاص باشد سه نظر ارائه شده است:^۱

قول اول: نظر شیخ طوسی و سید مرتضی است که نسخ خاص سابق را نقل می‌کند.

قول دوم: نظر اکثریت اصولیین است که معتقدند خاص مقدم عام موخر را تخصیص می‌زند.

قول سوم: بر این است که باید توقف و به مرجحات رجوع کرد.

این مبحث در بین حقوقدانان و قضات محاکم نیز مطرح بود تا این که هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۵۰ به این مباحث و اختلاف ها پایان داد.

براساس رأی هیأت عمومی^۱ «قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ ترتیب خاصی برای پرداخت دیون ورشکسته مقرر داشته و بستانکاران از ورشکسته را به پنج طبقه تقسیم و حق تقدم هر طبقه را بر طبقه دیگر تصریح نموده. ماده ۳۰ قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۳۳۵ راجع به وصول مالیات و جرائم آن از اموال و دارایی عموم مؤدیان، ناظر به اشخاص ورشکسته که وضع مالی آنها تابع قانون خاصی می باشد نبوده و آراء شعب پنجم و دهم دیوان عالی کشور که وزارت دارایی را در مورد وصول مالیات و جرائم متعلق به آن از بازرگانان ورشکسته در طبقه پنجم و در ردیف سایر بستانکاران عادی شناخته صحیحاً صادر گردیده و به اکثریت آراء تأیید می شود...»

بدین ترتیب دیوان عالی کشور نیز نظر اکثریت اصولیین مبنی بر تخصیص خوردن عام لاحق توسط خاص سابق را پذیرفته است، بر این اساس و به عبارتی دیگر می توان گفت از نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور که در قالب رأی وحدت رویه صادر گردیده و لازم الاتباع و لازم الاجرا و در حکم قانون می باشد، عام لاحق خاص سابق را نسخ نمی کند. بدین لحاظ ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی که خاص و مقدم بر ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی است، ماده اخیرالذکر را تخصیص می زند، به بیان دیگر ماده ۵۴۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ نسخ ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ نخواهد بود.

به فراخور بحث و با توجه به این که در خصوص گواهی های خلاف واقع صادره از سوی پزشکان صحبت به میان آمد. به نظر می رسد بی ارتباط و خالی از فایده نباشد تا نگاهی گذرا بر گواهی های ولادت و فوت خلاف واقع داشته باشیم، مضافاً این که صدور گواهی های فوت و ولادت تقریباً همه روزه و به شکل متعدد در مراکز درمانی ملکی سازمان به وقوع می پیوندد و نیز درگیر بودن کادر درمانی مرتبط با موضوع و

مسئولیتی که می تواند به سبب صدور گواهی های خلاف واقع فوت و ولادت متوجه کادر مذکور و مؤسسات درمانی باشد، ضرورت پرداختن به این امر را به خوبی مشخص و بیان می دارد، فلذا با وجود خارج بودن مصادیق مورد اشاره از شمول ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی و به جهت موارد پیشگفت و ضرورت و اهمیت طرح مسئله در زیر به موضوع مذکور خواهیم پرداخت.

۲-۱- صدور گواهی خلاف واقع فوت و ولادت

۱-۲-۱- صدور گواهی خلاف واقع ولادت

وفق ماده ۱۵ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ ثبت ولادت باید مستند به تصدیق پزشک یا مامای رسمی یا مؤسسه ای که طفل در آنجا متولد گردیده است باشد، در غیر این صورت واقعه به تصدیق دو نفر گواه ثبت می شود. وفق ماده ۲ قانون تخلفات، جرائم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۷۰/۵/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و طبق بند (ج) ماده مزبور ماما یا پزشکی که در مورد ولادت، گواهی خلاف واقع صادر نماید مجرم و به مجازات پیش بینی شده محکوم می گردد. سئوالی که در اینجا می تواند مطرح باشد این است که چنانچه صدور گواهی ولادت توسط پزشک یا ماما صورت پذیرفته و رأساً توسط بیمارستان صادر و یا بیمارستان شخصی بجز پزشک و ماما مثلاً یک پرستار یا یک نفر کادر اداری را مسئول صدور گواهی های ولادت قرار داده تا با توجه به مستندات پرونده به این امر مبادرت ورزند و در چنین حالتی گواهی مزبور به شکل خلاف واقع صادر گردد آیا می توان مرکز درمانی یا بیمارستان را به استناد بند (ج) ماده ۲ قانون تخلفات، جرائم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مورد تعقیب کیفری قرار داد یا خیر؟

هر چند در ماده ۱۵ قانون ثبت احوال تصدیق ولادت بر عهده پزشک، ماما یا مؤسسه ای که طفل در آنجا متولد گردیده است گذارده شده اما بند (ج) ماده ۲ قانون جرائم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی ضمانت اجرای کیفری در خصوص صدور گواهی خلاف واقع را صرفاً برای ماما و پزشک در نظر گرفته است. اما برخی بر این عقیده اند که منظور از مؤسسه مندرج در ماده ۱۵ بیمارستان و زایشگاه نیست، بلکه مؤسسات دیگری را شامل می شود مثل این که خانمی در محل نگهداری معلولان ذهنی

یا محل نگهداری بیماران روانی (تیمارستان) نگهداری و در آنجا وضع حمل می‌کند، در این صورت مؤسسه مذکور مکلف به اعلام ولادت مزبور می‌باشد و ارائه دهندگان این نظر با استناد به بند ۶ ماده ۱۶ قانون ثبت احوال بر این عقیده اند که چنانچه از سوی مؤسسات مزبور اعلام ولادت صورت پذیرفته یا خلاف واقع گزارش گردد، مؤسسه مذکور مشمول مجازات ماده ۳ قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه قرار خواهد گرفت.

اما با توجه به صراحت بند (ج) ماده ۲ قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و عدم اشاره به مؤسسه محل تولد طفل و نیز با توجه به این‌که ماده ۱۶ ناظر بر اعلام ولادت طفل بوده و درخصوص تصدیق گواهی ولادت صحبتی به میان نیاورده است و همچنین با توجه به این‌که بند ۶ ماده ۱۶ تکلیف اعلام ولادت را بر عهده مؤسسه‌ای گذاشته که طفل بدانجا سپرده می‌شود (مانند مراکز بهزیستی) و نه مؤسسه‌ای که طفل در آنجا متولد گردیده است، فلذا بیان این مطلب که بیمارستان محل تولد نوزاد که گواهی خلاف واقع صادر نموده بتواند مشمول بند ج ماده ۲ و یا ماده ۳ قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه قرار گیرد پذیرفته نخواهد بود.

ممکن است گفته شود، بیمارستان و یا اشخاصی بجز ماما و پزشکی که گواهی ولادت خلاف واقع صادر می‌نمایند را بتوان مشمول بند (الف) ماده ۲ قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه قرار داد، بند (الف) ماده مزبور اشخاصی را که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت، برخلاف واقع اظهاری نمایند را مجرم و قابل مجازات دانسته است اما به نظر می‌رسد نتوان بیمارستان یا افرادی غیر از پزشک و ماما را که گواهی خلاف واقع صادر می‌نمایند را مشمول این بند از ماده مذکور قرار داد. چرا که اولاً این بند اشاره به اعلام ولادت و اظهار خلاف واقع داشته و بیانی درخصوص تصدیق و گواهی خلاف واقع عنوان ننموده است. ثانیاً با توجه به اشاره‌ای که در بند (الف) مذکور به اظهار و اعلام ولادت گردیده و از آنجا که وفق ماده ۱۶ قانون ثبت احوال اشخاصی که عهده دار اعلام ولادت می‌باشند، مشخص و بیان گردیده اند، فلذا به نظر می‌رسد منظور از اشخاص اعلام و اظهارکننده همان موارد

مذکور در ماده ۱۶ باشد. فلذا بنا به مراتبی که گذشت بیمارستان یا افرادی بجز ماما و پزشک صادرکننده گواهی خلاف واقع را نمی‌توان مشمول بند (الف) ماده ۲ نیز دانست.

با این اوصاف چنانچه صادرکننده گواهی خلاف واقع بجز پزشک و ماما اعم از بیمارستان، پرستار و ... باشد منطبق و مشمول مقررات کیفری ثبت احوال و بطور خاص قانون تخلفات، جرائم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه نخواهد بود. لکن این بدان معنا نیست که چنانچه بیمارستان یا اشخاصی بجز پزشک یا ماما گواهی خلاف واقع در خصوص ولادت نوزاد صادر نمایند مشمول مقررات کیفری نبوده و از تعقیب و مجازات مبری هستند چراکه موضوع را می‌توان با مقررات عام کیفری تطبیق داد و حکم ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی را در این خصوص جاری نمود.

بر این اساس چنانچه خانم الف جهت زایمان به بیمارستان مراجعه و با دفترچه شخص دیگری بستری گردد و یا این که به شکل آزاد بستری شده و به جهت این که می‌خواهد نوزاد متولد شده را به دیگری واگذار نماید خود را به عنوان شخص ب معرفی و تمامی مشخصات مربوط به شخص ب را در اسناد بیمارستانی منعکس نماید و بیمارستان، پزشک یا ماما نیز براساس مشخصات ارائه شده اقدام به صدور گواهی ولادت جهت نامبرده نمایند و در چنین حالتی شخص الف متعاقباً و قبل از مراجعه به ثبت احوال به بیمارستان مزبور مراجعه و حقیقت را عنوان دارد، در این حالت تکلیف بیمارستان چیست؟ و آیا شخصی را که برخلاف واقع اظهاراتی در بیمارستان بیان داشته است را می‌توان به استناد بند (الف) ماده ۲ قانون جرائم، تخلفات و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مورد تعقیب کیفری قرار داد؟

درخصوص سؤال نخست نظر نگارنده این مرقومه بر این است که چنانچه بیمارستان براساس اسناد ارائه شده ازسوی فرد مدعی و نیز با توجه به سایر شواهد و قرائن هویت واقعی شخص مراجعه کننده را احراز و صدق ادعای او را تصدیق نمود باید صورت جلسه ای با امضای اشخاص مرتبط با موضوع منجمله ماما یا پزشک زایمان کننده، مسئول لیبر، مسئول مدارک پزشکی، مسئول صادر کننده گواهی های ولادت (چنانچه شخص

خاصی برای این منظور در نظر گرفته شده باشد) و نیز ریاست و حراست بیمارستان تنظیم و مراتب در صورت جلسه موصوف منعکس گردد. همچنین در صورتی که شخص بستری شده دارای دفترچه بیمه بوده، صورت جلسه مذکور باید به تأیید ناظر بیمارستانی سازمان بیمه‌گر مربوطه نیز برسد. پس از تنظیم و امضای صورت جلسه فوق از سوی افراد یاد شده، در وهله اول، اسناد بیمارستانی با کشیدن یک خط مشخص (مثلاً رنگ قرمز) بر روی عبارات اولیه و نوشتن مشخصات صحیح در کنار آن مورد اصلاح قرار گرفته و سپس با ابطال گواهی ولادت سابق، گواهی ولادت جدید با توجه به مشخصات واقعی صادر می‌گردد. همچنین جهت اطمینان خاطر بیشتر در صورت جلسه تنظیمی، امضا و اثر انگشت پدر و مادر واقعی نوزاد و نیز زن و شوهر و یا حداقل زنی که مشخصات اولیه به نام او صادر گردیده است نیز برسد. اما چنانچه امکان احراز هویت برای بیمارستان ممکن نبود، می‌تواند مراتب را به مقام قضایی منعکس و طبق نظر ایشان رفتار نمایند.

لکن درخصوص سؤال دوم باید گفت از آنجا که اعلام ولادت یعنی همان تکلیف مندرج در ماده ۱۶ قانون ثبت احوال در مرجع صالحه یعنی ادارات ثبت احوال صورت می‌پذیرد و نیز از سوی دیگر شخصی که جهت زایمان به بیمارستان مراجعه می‌نماید، اولاً به بیان مشخصات خود جهت بستری شدن اقدام نموده و صحبتی از اعلام ولادت در بین نیست. ثانیاً این فرد در هنگام مراجعه صرفاً اقدام به بیان دروغی نموده و مشخصات فرد دیگری را به جای مشخصات خود عنوان داشته است و صرف بیان دروغ نیز جرم قلمداد نمی‌گردد.

بنابراین چنانچه اظهارات خلافی در بیمارستان از سوی شخص بستری شده یا اشخاص دیگر عنوان گردیده بدون این که در مرجع صالحه یعنی ادارات ثبت احوال بیان گردد عمل فرد مشمول بند (الف) ماده ۲ قانون تخلفات، جرائم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه نبوده و جرم محسوب نمی‌گردد.

۲-۱- صدور گواهی فوت خلاف واقع

وفق ماده ۲۴ قانون ثبت احوال واقعه وفات باید طبق تصدیق پزشک و در صورت نبودن پزشک با حضور دو نفر گواه ثبت گردد، در مورد طفلی که مرده به دنیا آمده یا بلافاصله پس از تولد به میرد، در صورت وجود پزشک در محل تصدیق پزشک

ضروری است و در صورت نبودن پزشک گواهی دو نفر کافی است، پزشکی که وقوع مرگ به او اطلاع داده می‌شود در هر مورد مکلف به معاینه جسد و صدور تصدیق یا اظهار نظر می‌باشد و در صورت امکان تشخیص علت مرگ باید تصدیق شود و به هر حال یک نسخه از تصدیق یا اظهار نظر خود را باید به ثبت احوال محل در مهلت مقرر ارسال نماید. از سوی دیگر بند (د) ماده ۲ قانون تخلفات، جرائم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه، ماما یا پزشکی که در مورد وفات، گواهی خلاف واقع صادر نماید را مسئول و قابل مجازات دانسته است.

طبق استدلالی که در خصوص گواهی خلاف واقع ولادت بعمل آمد در اینجا نیز چنانچه بیمارستان یا شخصی به جز پزشک و ماما گواهی مذکور را صادر نماید می‌توان عمل را مشمول ماده ۵۴۰ ق.م.ا. دانست. صدور گواهی فوت از جهات مختلف حائز اهمیت است، بالاخص تعیین زمان فوت می‌تواند آثار حقوقی مهمی را در خصوص ارث بری افراد از یکدیگر بر جای گذارد. بعضاً در خصوص هویت فرد متوفی نیز اختلاف حادث که این امر سبب بروز مشکلاتی برای پزشک یا مرکز درمانی می‌گردد، به عنوان مثال در یک مورد مراجعه شخص الف فردی مسن سال را به علت سخته مغزی به بخش اورژانس بیمارستان منتقل و او را به نام ب بستری می‌نماید، دو روز بعد شخص دیگری مراجعه و اظهار می‌دارد هویت شخص بستری شده ج می‌باشد و جهت صدق ادعای خود اسناد سجلی نامبرده را که مشخصات فرد ج در آن قید شده بود را ارائه می‌نماید. بیمارستان با شخص الف یعنی شخص بستری کننده تماس و ایشان را از هویت واقعی فرد بیمار مطلع می‌نماید، اما شخص الف اصرار بر صحت گفته خویش داشته و در نهایت اسناد سجلی فرد بیمار را به بیمارستان ارائه می‌نماید، پس از بررسی‌های به عمل آمده مشخص گردید فرد مزبور دو شناسنامه و با دو هویت متفاوت و حتی همسر و اولاد مختلف که در دو شهر جداگانه ساکن بوده اند داشته است؛ بیمار پس از چند روز در بیمارستان فوت نمود، حال تکلیف بیمارستان در این مورد چیست؟ و با توجه به این که فرد متوفی بازنشسته یکی از ارگان های دولتی نیز بوده است فلذا ثبت گواهی فوت جهت بازماندگان بالاخص دو همسر متوفی از حیث برقراری مستمری از اهمیت خاصی برخوردار بوده و اهمیت مطلب را دو چندان

می‌نماید. در این مورد احراز هویت واقعی متوفی برای بیمارستان دشوار بود، لکن موضوع را از این حیث و نیز به جهت ... به دادرسی محل گزارش که پس از ارجاع امر به تشخیص هویت، مشخصات واقعی فرد جهت گواهی فوت به بیمارستان اعلام و طبق نظر مقام قضایی عمل گردید.

۳-۱- گزارش های بازرس سازمان

آنچه از لفظ گزارش بر می‌آید، داشتن جنبه اعلامی آن است و به معنای شرح و بیان واقعه آمده است. حال آن که گواهی به معنای تصدیق و تأیید است.^۱

در خصوص گزارش‌های بازرس سازمان باید گفت: در این جا منظور آن دسته از گزارش‌های بازرسان است که علاوه بر جنبه اعلامی واجد خصیصه تصدیق و تأیید نیز می‌باشند. به عنوان مثال تأیید گواهی اشتغال کارگر یا کارگران در یک کارگاه و کارخانه طی گزارش های ارسالی می‌تواند مصداق بازرسی در این خصوص باشد.

نظر به این که وفق قسمت اخیر ماده ۱۰۲ قانون تامین اجتماعی برای گزارش‌های بازرسان سازمان ارزش ضابطین دادگستری را قائل و به نوعی بازرسان سازمان را در زمره ضابطین خاص قلمداد نموده است، حال این سؤال مطرح می‌گردد که اولاً آیا تمامی بازرسان سازمان ضابط محسوب می‌شوند یا خیر؟ و دیگر این که آیا ضابط بودن مرتکب (بازرس) شرط تحقق جرم موضوع ماده ۱۰۵ می‌باشد یا نه؟ به عنوان مثال آیا بازرسان دفاتر اسناد پزشکی که در حوزه درمان غیر مستقیم سازمان تامین اجتماعی امر بازرسی از مراکز طرف قرارداد سازمان را برعهده دارند نیز ضابط محسوب می‌شوند یا خیر و چنانچه پاسخ منفی باشد آیا ضابط نبودن آنها تاثیری در تحقق جرم صدور گواهی‌های خلاف واقع صادره از سوی ایشان خواهد داشت یا خیر؟

در این خصوص با توجه به نظریه شماره ۷/۷۶۴۹ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۹ اداره حقوقی قوه قضاییه که ضابط دانستن مأموران را نیازمند تصریح قانونی دانسته است و نیز نظر به این که در متن ماده ۱۰۲ قانون تامین اجتماعی و سایر مواردی که در قانون به «بازرسان سازمان» اشاره شده، طرف مقابل آنها «کارفرمایان یا نمایندگان قانونی آنها»

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۴،

قرار گرفته است، لذا باید گفت منظور از بازرسان سازمان مندرج در ماده ۱۰۲ قانون تأمین اجتماعی که به عنوان ضابط معرفت گردیده اند هر بازرسی نبوده و تنها بازرسان کارگاهی مدنظر قانونگذار بوده است. پس بازرسان دفاتر اسناد پزشکی را نمی‌توان به عنوان ضابط قلمداد نمود. حال اگر چنانچه بازرس دفتر اسناد پزشکی گواهی و تصدیق نامه‌ای صادر نماید که این گواهی مجوز استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی محسوب گردد، مثل این که در بازرسی از داروخانه‌های طرف قرارداد، مراجعه کننده‌ای که قصد عزیمت به محل دفتر اسناد پزشکی به منظور تایید نسخه خود را داشته به وی مراجعه و درخواست تایید نسخه مذکور را بنماید و با فرض این که قبلاً اجازه تایید نسخ به بازرس دفتر اعطا شده باشد، در این صورت اگر شخص بازرس با علم به این که دفترچه متعلق به غیر می‌باشد نسخه موصوف را تایید و تصدیق نماید، آیا عمل این بازرس دفتر اسناد پزشکی را که ضابط هم محسوب نمی‌گردد می‌توان مشمول ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی قرار داد یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال باید عنوان داشت آنچه در ماده مزبور به عنوان ملاک و مبنا جهت تحقق جرم در نظر گرفته می‌شود گواهی مبتنی بر جواز استفاده از مزایا است نه ضابط بودن، به عبارت دیگر ضابط بودن شرط تحقق جرم موضوع ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی نبوده و در مثالی که عنوان گردید همین که تصدیق و گواهی بازرس دفتر مجوز استفاده از مزایا و این تصدیق برخلاف واقع صورت پذیرفته باشد، با وجود سایر شرایط باید جرم موضوع ماده ۱۰۵ را تحقق یافته دانست.

۴-۱- لیست حق بیمه:

لیست حق بیمه، فرم چاپی مخصوصی است که سازمان در اختیار کارفرمایان قرار می‌دهد تا مشخصات کارگران خود را همراه با سایر اطلاعات خواسته شده در آن درج و آن را پس از امضا در موعد مقرر به سازمان تحویل نمایند. در واقع کارفرما با ارسال این لیست، اشتغال کارگران خود را گواهی، تصدیق و تأیید می‌نماید.

۵-۱- گواهی کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱:

این کمیسیون براساس ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی، میزان از کار افتادگی بیمه‌شدگان را جهت استفاده از مزایای مستمری از کار افتادگی تعیین و به شعب سازمان ابلاغ می‌نماید.

۱-۶- گزارش بازرسان اداره کار:

در اینجا نیز آن‌گونه گزارش مدنظر است که علاوه بر جنبه اعلامی واحد خصیصه تصدیق و گواهی نیز باشد. لذا این قبیل گزارش‌هایی که مؤثر بر عملکرد سازمان تامین اجتماعی نیز خواهند بود در دو زمینه می‌تواند مطرح باشد.

۱-۶-۱- گزارش مبنی بر تعیین ناشی یا غیرناشی از کاربودن حادثه

در اینجا بازرس گواهی می‌نماید که حادثه اتفاق افتاده ناشی از کار بوده یا خیر؟ تصدیق و گواهی صادره در این خصوص از حیث پرداخت مزایای مستمری (از قبیل ازکار افتادگی، بازماندگان و ...) از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.

چنانچه حادثه ناشی از کار تشخیص داده شود، بیمه شده ولو یک روز سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد، مستحق برخورداری از مزایای مذکور خواهد بود، در غیر این صورت باید دارای سابقه حداقل یک سال در طول ۱۰ سال قبل از حادثه و ۹۰ روز سابقه در سال آخر قبل از حادثه باشد. (مواد ۶۳، ۷۱، ۷۵ قانون تامین اجتماعی)

۱-۶-۲- گزارش مبنی بر تعیین مقصر حادثه

این گزارش نیز از جهت تشخیص مقصر و میزان تقصیر در وقوع حادثه ارائه و طی آن قصور و میزان آن از سوی بازرس مذکور تعیین و گواهی می‌گردد، این گزارش چنانچه کارفرما را مقصر قلمداد نماید از حیث رجوع سازمان به کارفرما بابت اخذ خسارات وارده طبق ماده ۶۲ قانون تامین اجتماعی حائز اهمیت است.

۱-۷- مصادیق گواهی خلاف واقع در حوزه درمان غیر مستقیم:

۱-۷-۱- صدور گواهی خلاف واقع از سوی ناظرین بیمارستانی

ناظرین بیمارستانی آن دسته از پرسنل شاغل در دفاتر اسناد پزشکی هستند که در بیمارستان‌های طرف قرارداد و به نمایندگی از سازمان حضور یافته و به ایفای نقش نظارتی خود در مجموعه طرف قرارداد می‌پردازند. در یک تقسیم بندی ناظرین بیمارستانی نقش نظارتی خود را به دو گونه در بیمارستان‌های طرف قرارداد اعمال

می‌نمایند، یکی از طریق صدور معرفی نامه و دیگری از طریق تایید و گواهی نمودن انطباق خدمات انجام گرفته با صورتحساب ارسالی یعنی صورتحسابی که از سوی بیمارستان های طرف قرارداد به دفاتر اسناد پزشکی جهت مطالبه وجه ارسال می‌گردد.

۱-۷-۱-۱- صدور معرفی نامه خلاف واقع

معرفی نامه فرم چاپی مخصوصی است که از سوی ناظرین بیمارستانی و پس از تطبیق دفترچه درمانی با فرد بستری شده و بعد از حصول اطمینان از این امر که فرد بستری شده همان صاحب دفترچه درمانی می‌باشد، بر روی پرونده بیمار الصاق می‌گردد و یا در برخی مراکز با امضا و مهری که از سوی ناظر بیمارستانی بر روی برگ پذیرش پرونده درج می‌گردد، این گواهی و تصدیق صورت می‌پذیرد، در واقع ناظر بیمارستانی با صدور معرفی نامه گواهی و تایید می‌نماید شخص بستری همان شخص بیمه شده و صاحب دفترچه می‌باشد و نیز از این امر اطمینان حاصل می‌نماید که فرد بستری شده استحقاق استفاده از مزایای درمان تأمین اجتماعی را دارد یا خیر؟

حال در چنین شرایطی اگر ناظر بیمارستانی بدون این که شخص بستری شده، صاحب دفترچه باشد و یا بدون این که استحقاق استفاده از مزایای درمان تأمین اجتماعی را داشته باشد (به عنوان مثال خانمی است که ازدواج نموده و از تحت تکفل پدر خارج گردیده لکن از دفترچه درمانی سابق خود استفاده نموده است) اقدام به گواهی و صدور معرفی نامه نماید، مرتکب جرم صدور گواهی خلاف واقع موضوع ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی گردیده است.

۱-۷-۱-۲- تایید و گواهی انطباق خدمات انجام گرفته با صورتحساب ارسالی

کارشناس ناظر بیمارستانی علاوه بر وظیفه تطبیق دفترچه با فرد بستری شده و نیز بررسی استحقاق درمان نامبرده باید خدماتی که بیمارستان به بیمه شده سازمان ارائه می‌دهد را با صورت حساب تنظیمی تطبیق و چنانچه خدماتی ارائه نگردیده اما در صورت حساب قید گردیده است آنها را کسر نماید. به عنوان مثال چنانچه بیمار به مدت ۳ شب در بیمارستان طرف قرارداد بستری بوده لکن بیمارستان در صورت حساب تنظیمی ۵ شب درج نموده و تقاضای هزینه ۵ شب را از دفتر اسناد پزشکی نموده باشد، چنانچه ناظر بیمارستانی ۵ شب مندرج در صورت حساب را تایید نماید،

در واقع گواهی نموده است که مدت زمان بستری بیمار مذکور ۵ شب می باشد، در اینجا آنچه از سوی ناظر بیمارستانی گواهی گردیده، امری خلاف واقع بوده است و یا ممکن است از سوی پزشک جراح، عمل «آپاندیسیت» بر روی بیمار صورت گرفته باشد لکن در شرح عمل خود علاوه بر «آپاندیسیت» به عمل دیگری نیز اشاره و هزینه آن را نیز درخواست نموده باشد، در این صورت چنانچه ناظر بیمارستانی علم به این موضوع داشته و مورد فوق را گواهی و تایید نماید، مشمول جرم صدور گواهی خلاف واقع و مشمول ماده ۱۰۵ قرار خواهد گرفت.

۲-۷-۱- درخواست غیر ضرور و روتین موارد پاراکلینیکی

۳-۷-۱- تجویز داروهای تاریخ اعتبار نزدیک به سفارش داروخانه

ممکن است، درخصوص دو مورد صدرالاشاره این گونه عنوان و استدلال نمود که پزشک معالج با نوشتن نسخه پاراکلینیکی غیر ضرور یا تجویز داروی تاریخ نزدیک بدون این که تجویز آنها برای بیمار ضرورت داشته باشد، درواقع گواهی نموده است که فلان مورد پاراکلینیکی یا فلان دارو جهت بیمار ضروری است و حال آن که گواهی موصوف بر خلاف واقع بوده است و به همین دلیل پزشک مذکور به ارتکاب جرم صدور گواهی خلاف واقع قابل تعقیب و مجازات خواهد بود، لکن به نظر می رسد استدلال و بیان مزبور پذیرفتنی نباشد، چرا که اولاً پزشک موصوف با نوشتن نسخه، اقلام دارویی یا موارد پاراکلینیکی را صرفاً تجویز یا به عبارت دیگر به بیمار توصیه می نماید و این بیمار است که می تواند به توصیه پزشک معالج عمل نموده و یا برخلاف آن رفتار نماید. ثانیاً گواهی مفهوم و معنای خاص خود را داشته و این چنین تفسیر موسع درخصوص مصادیق مذکور بر خلاف اصول حاکم بر حقوق جزا می باشد.

در هر حال هر چند مصادیق مذکور را بتوان تخلف از ماده ۷ آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلین حرفه های پزشکی مصوب ۸۳/۸/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام دانست، لکن اگر بخواهیم ضمانت اجرای کیفری برای آن در نظر گرفته و یک عنوان کیفری برای عمل مذکور ارائه دهیم، به نظر ما می توان موضوع را تحت عنوان تحصیل مال از طریق نامشروع موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مورد پیگرد کیفری قرار داد. هر چند

شاید به توان به جهت تبانی بین پزشک و داروخانه یا پاراکلینیک و نیز تجویز نسخه حاوی موارد فوق و ضروری جلوه دادن مصرف یا انجام موارد تجویزی حسب مورد و متعاقبا گول خوردن بیمار و اقدام به خرید دارو یا انجام مورد پاراکلینیکی موضوع را مشمول کلاهبرداری نیز دانست. در هر صورت هر کدام از عناوین کیفری مذکور را که قابل انطباق با موارد یاد شده بدانیم، چنانچه پزشک تجویز کننده از وجه دریافتی توسط مراکز یادشده سهمی را اخذ نماید، در این صورت هر دو به عنوان کلاهبردار یا تحصیل کننده مال از طریق نامشروع محاکمه و مجازات خواهند شد. اما اگر پزشک تجویز کننده وجهی از مراکز یاد شده دریافت ندارد به عنوان معاون در جرائم مزبور قابل تعقیب خواهد بود.

۲- مرتکب جرم:

صدور گواهی خلاف واقع از طرف هر شخصی موجب تحقق جرم موضوع ماده ۱۰۵ نمی‌باشد. بلکه به صراحت ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی، این جرم قابلیت تحقق توسط افرادی را دارد که گواهی آنان مجوز استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی است، حال چنانچه این افراد گواهی مزبور را برخلاف واقع تنظیم نمایند، مجرم در ارتکاب جرم موضوع ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی خواهند بود.

در خصوص اقسام گواهی‌هایی که می‌توانند، مجوز استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی قرارگیرند در مطالب پیش گفت توضیحات کافی ارائه گردید.

اما حال به این موضوع می‌پردازیم که تفاوت مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ قانون مجازات

اسلامی با ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی از حیث مرتکب جرم چیست؟

در ماده ۵۳۹ ق م ا آمده است: «هرگاه طبیب تصدیق نام خلاف واقع درباره

شخصی ..»، بنابراین مرتکب جرم در ماده ۵۳۹ ق م ا طبیب است و راجع به این موضوع که لفظ طبیب به چه شخص یا اشخاصی اطلاق و کدام شاخه از رشته های پزشکی را در بر می‌گیرد در مطالب عنوان شده قبلی توضیح لازم بیان گردید.

در ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی نیز هر تصدیق نامه‌ای که خلاف واقع صادر

شود و موجب اضرار غیر گردد یا به خزانه دولت خسارتی وارد آورد جرم می‌باشد، بنابراین مرتکب جرم موضوع ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی هر کسی می‌تواند باشد.

بنابر مراتبی که گذشت جرم ماده ۱۰۵ قانون تامین اجتماعی به لحاظ مرتکب جرم مختص ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی و متباین از جرم موضوع ماده ۵۳۹ قانون مذکور می‌باشد.

ج: نتیجه حاصله

آیا جرم صدور گواهی خلاف واقع موضوع ماده ۱۰۵ قانون تامین اجتماعی جرمی مقید به حصول نتیجه است یا خیر؟
در پاسخ به این سؤال با توجه به مفاد ماده ۱۰۵ ممکن است، دو جواب به ذهن متبادر شود:

اول این که این جرم، جرمی مطلق است، چرا که قانونگذار صرف صدور گواهی خلاف واقع را جرم دانسته است و منظور قانونگذار از «جبران خسارت» در متن ماده اشاره به این نکته دارد که چنانچه خسارتی نیز از گواهی مزبور به وجود آمد، محکمه بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی مکلف به صدور حکم مبنی بر جبران خسارت می‌باشد.

نظر دومی که نگارنده نیز با آن موافق می‌باشد این است که این جرم، جرمی مقید به حصول نتیجه می‌باشد با این استدلال که وقتی قانونگذار در کنار مجازات، اشاره به جبران خسارت می‌کند، قطعاً تنها مواردی را جرم دانسته است که خسارتی به وجود آمده باشد، و علاوه بر این، منظور دیگر قانونگذار عدم رعایت تشریفات آیین دادرسی در مطالبه خسارت بوده، بنابراین قانونگذار با اشاره به جبران خسارت دو هدف را دنبال می‌کرده است:

مقید به نتیجه بودن جرم موضوع ماده ۱۰۵ قانون تامین اجتماعی است که همانا حصول ضرر و خسارت می‌باشد.

عدم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی از جمله ارائه دادخواست برای جبران خسارت وارده می‌باشد. مضافاً این که اقتضا تفسیر به نفع متهم نیز مقید بودن جرائم است.

در مقام مقایسه بین جرائم مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی با ماده ۱۰۵ قانون تامین اجتماعی باید گفت، با توجه به عبارت «هرگاه طبیب تصدیق نامه برخلاف

واقع ... بدهد به حبس از ...» در ماده ۵۳۹، جرم موضوع این ماده مطلق بوده و صرف ارائه دادن گواهی (نه صدور آن) جرم می‌باشد اما اقلیت حقوقدانان جرم موضوع ماده ۵۳۹ را جرمی مقید می‌دانند.^۱

و اما در مورد جرم موضوع ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار این جرم را مقید به حصول ضرر به شخص ثالث یا خزانه دولت نموده است، عبارت «... تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالث باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد...» مؤید این مطلب است.

شعبه دوم دیوان عالی کشور در یکی از احکام خود چنین اظهار می‌دارد: «از ارکان تشکیل‌دهنده جرم ماده ۱۱۲ قانون مجازات عمومی (۵۴۰ قانون مجازات اسلامی) ورود ضرر از تصدیق‌نامه‌های مزبور به دولت یا شخص ثالث است و به این معنی باید در دادنامه تصریح و روشن شود که از تصدیق‌نامه مزبور چه خسارتی به دولت یا شخص ثالث وارد شده است و اجمال در این مورد، موجب نقص دادنامه است».^۲

بند سوم: عنصر روانی

همانگونه که در مطالب پیش گفته بیان شد، جرم موضوع ماده ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی جرمی است مقید، فلذا علاوه بر سوءنیت عام (عمدی در فعل) مرتکب باید دارای سوء نیت خاص نیز باشد. سوءنیت عام (عمد در فعل) بدین معنا که شخص مرتکب اولاً علم به این موضوع داشته باشد که مطلبی را که گواهی و تصدیق می‌نماید، خلاف واقع بوده و ثانیاً باید در انجام عمل ارتكابی یعنی صدور گواهی خلاف واقع مختار بوده و با عمد و اراده به این عمل دست یازد.

سوء نیت خاص مرتکب نیز همانا ورود خسارت به صندوق سازمان تأمین اجتماعی خواهد بود.

۱- کوشا، جعفر، جرائم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۶۲.

۲- حکم شماره ۱۶۸۵ مورخ ۱۳۱۹/۵/۲۸ شعبه دوم دیوان عالی کشور.

مبحث دوم: تعدد و تکرار

جرم صدور گواهی خلاف واقع جرمی تعزیری است و در صورت تعدد در انجام آن وفق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی «در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی ... مختلف نباشند فقط یک مجازات تعیین می‌گردد و در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علل شده کیفر باشد...».

اما در یک مصداق شایع ممکن است، صدور گواهی مزبور همراه با دریافت وجهی یا مالی باشد. سؤال اساسی در این مورد این است که آیا در این مورد جرائم رشا و ارتشا تحقق یافته‌اند و اگر تحقق یافته‌اند به همراه صدور گواهی خلاف واقع چه نوع تعددی را تشکیل می‌دهند.

ابتدا به این سؤال پاسخ می‌دهیم که اگر گواهی‌های خلاف واقع توسط کارمند سازمان صادر شود و برای این کار مالی را دریافت کرده باشد آیا جرائم رشا و ارتشا محقق شده‌اند یا خیر؟

در حال حاضر عنصر قانونی جرم ارتشا را ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری تشکیل می‌دهد، براساس این ماده: «هر یک از ... یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مربوط می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است، اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده و یا آن که مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد. خواه آن کار را انجام داده، خواه نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا این که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می‌شود ...»

از طرفی نیز براساس قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۷۳/۴/۱۹: «نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد تشکیل شده یا می‌شود... این واحدها... بدین شرح است: (۱) ... (۱۰) سازمان تامین اجتماعی...».

بنابراین سازمان تامین اجتماعی یکی از مصادیق مأمور به خدمات عمومی می‌باشد و کارمندان آن مأمورین به خدمت عمومی و براساس ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، دریافت مال توسط مأمور به خدمت عمومی رشوه محسوب می‌شود.

لذا اگر کارمند سازمان تامین اجتماعی برای انجام امری در سازمان مال یا وجه یا... دریافت کند، مرتشی محسوب و دهنده مال نیز راشی خواهد بود. اگر صدور گواهی مزبور همراه با دریافت مال، وجه یا... باشد، مورد از مصادیق تعدد، آن هم مادی و از نوع مختلف خواهد بود و وفق صدر ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی برای هر یک مجازات جداگانه تعیین خواهد شد.

در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی درخصوص پزشکی که تصدیق نامه‌های خلاف واقع را به واسطه اخذ مال یا وجهی صادر کرده باشد، علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه چنین آمده است: «... به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم می‌گردد.»

در تفسیر این عبارت عده‌ای از حقوقدانان را نظر بر این است که در این مورد کیفر مرتشی جایگزین آن می‌شود، نه این که با آن جمع شود.^۱

برخی نیز معتقدند که مورد اخیر تنها درخصوص کیفر ارتشا اعمال می‌گردد، ولی مشمول قاعده تعدد معنوی جرم بوده و از موجبات تشدید کیفر خواهد بود.^۲

عده دیگر نیز بر این عقیده‌اند که «جرم موضوع این ماده ارتشا نمی‌باشد، زیرا ارتشا در صورتی محقق می‌گردد که مرتکب از مستخدمان و مأموران دولتی باشد، در حالی که پزشک صرف نظر از موارد استثنایی از مستخدمان و مأموران دولتی محسوب نمی‌گردد و اخذ مال توسط پزشک جرم ارتشا نمی‌باشد.

از این رو مقنن اعمال کیفر ارتشا را در چنین مواردی تجویز نموده است، اما همین عده در ادامه با بیانی کاملاً متفاوت و متعارض با گفته قبلی می‌گویند «در صورت

۱- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص ۲۸۰.

۲- زراعت، عباس، پیشین، ص ۱۸۲.

اخذ مال یا وجه برای صدور تصدیق خلاف واقع از سوی پزشک، عمل تعدد مادی محسوب شده و علاوه بر کیفر تصدیق خلاف واقع به کیفر رشوه گیرنده نیز محکوم می‌گردد، در نتیجه به نظر می‌رسد کلمه «نیز» قبل از کلمه «محکوم می‌گردد» سهواً از قلم افتاده است^۱ نگارنده نیز در این خصوص با نظر اخیر موافق است.

مبحث سوم: مجازات جرم موضوع ماده ۱۰۵

قسمت اخیر ماده ۱۰۵ قانون تامین اجتماعی اشاره به مجازات جرم مذکور داشته، بیان می‌دارد: «... به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد.» آنچه لازم به ذکر و تأکید است، بیان این نکته می‌باشد که با توجه به انقلاب اسلامی و استقرار حکومت اسلامی در کشور و تغییراتی که در نظام قضایی و قانونگذاری، بالاخص در خصوص جرائم و تقسیم‌بندی آنها حاصل گردیده است، شایسته بود عبارات و اصطلاحاتی که ناشی از تصویب قوانین در نظام قبلی در متون قانونی قرار گرفته است، به نحوی مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرند.

گفتار دوم: استفاده از گواهی خلاف واقع

چنانچه دانش آموزی که در کلاس درس حاضر نگردیده و یا کارمند رسمی دولت که در محل کار خود حضور نیافته است، همچنین فردی بدون این که در یک درگیری آسیبی به وی وارد شده باشد، به پزشکی مراجعه و حسب مورد از وی درخواست صدور گواهی استراحت پزشکی و گواهی مبنی بر ورود صدمه جسمانی بنمایند و پزشک مزبور نیز گواهی درخواستی را که بر خلاف واقع نیز می‌باشد صادر و به آنها ارائه نماید، در این صورت پزشک مرتکب جرم صدور گواهی خلاف واقع گردیده است. حال سئوالی که مطرح می‌گردد این است که در صورت استفاده نامبردگان از گواهی های خلاف واقع صادر شده و ارائه آنها به مراجع ذیربط مثل مدرسه، اداره یا مرجع قضایی، در این صورت

۱- شکری، رضا و سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات مهاجر،

آیا کارمند، دانش آموز یا فرد مدعی ورود صدمه جسمانی را می‌توان به جهت استفاده از گواهی خلاف واقع مورد تعقیب کیفری قرارداد یا خیر؟

و یا ممکن است پزشکی جهت بیمه شده ای گواهی خلاف واقع به منظور از کارافتادگی و یا گواهی استراحت به مدت دو ماه صادر نماید، در اینجا جرم بودن عمل پزشک محرز و مسلم است اما آیا استفاده کننده از این گواهی ها نیز مجرم قلمداد می گردند یا نه؟

در مقررات راجع به جعل، قانونگذار جعل و استفاده از سند مجعول را به عنوان دو جرم جداگانه در نظر گرفته و حتی چنانچه جاعل و استفاده کننده از سند مجعول شخص واحدی باشد باز هم نسبت به مرتکب دو مجازات اعمال خواهد گردید. اما در اینجا و در مثال اول، گواهی خلاف واقع صادره حسب مورد می تواند مشمول مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ ق.م.ا واقع گردد. در مواد مزبور و نیز در سایر مقررات مندرج در ق.م.ا اشاره ای به استفاده از گواهی خلاف واقع نگردیده، فلذا در این حالت جرم استفاده از گواهی خلاف واقع متوجه دانش آموز، کارمند دولت و فرد مدعی صدمه جسمانی نخواهد بود. هرچند در مثال دوم نیز گواهی خلاف واقع صادره از سوی پزشک، راجع به استراحت پزشکی و یا از کارافتادگی بیمه شده، با شرایطی می‌تواند، مشمول مواد عمومی مندرج در قانون مجازات اسلامی (ماده ۵۴۰) قرار گیرد لکن یک تفاوت اساسی بین گواهی های مورد اشاره در مثال اول و دوم وجود دارد و آن ویژگی گواهی مبتنی بر جواز استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی است که این امر یعنی مجوز استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی، در گواهی های عنوان شده در مثال اول مفقود اما در مثال دوم موجود است. چنان که مشاهده می‌گردد همین ویژگی یعنی جواز استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی سبب تخصیص خوردن ماده ۱۰۵ قانون مذکور از ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی می باشد. اما صرف وجود این ویژگی نیز نمی تواند استفاده کننده از گواهی خلاف واقع را مورد تعقیب کیفری قرار دهد، چرا که آنچه استفاده از گواهی موصوف را جرم قلمداد نموده ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی است و طبق ماده مزبور زمانی جرم محقق است که از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی استفاده ای شده باشد. پس در مثال دوم نیز چنان چه گواهی خلاف واقع

صادره، از سوی فرد بیمه شده مورد استفاده اما به هر دلیل مثلاً عدم تایید گواهی از سوی شورا یا کمیسیون پزشکی منجر به بهره‌گیری از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی نگردد، این فرد را نمی‌توان به عنوان استفاده‌کننده از گواهی خلاف واقع مورد تعقیب قرارداد. اما چنانچه با ارائه گواهی مزایایی برای وی منظور و پرداخت گردد، در این صورت فرد استفاده‌کننده را می‌توان مشمول ماده ۹۷ و از باب استفاده از گواهی خلاف واقع مورد مجازات قرار داد، حال این سؤال مطرح است که آیا استفاده از دفترچه درمانی دیگری که منجر به استفاده شخص غیر ذی حق از مزایای قانون تامین اجتماعی می‌گردد مشمول ماده اخیرالذکر می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا خلاف واقع بودن سند و گواهی موضوع ماده ۹۷ به اعتبار شخص است یا به اعتبار سند (وسیله ارتکاب جرم)؟

نظر نگارنده در پاسخ به سؤال مزبور بر این است که دفترچه درمانی (سند) که صحیحاً توسط سازمان تامین اجتماعی صادر شده تقلبی نیست و اصالت دارد، چرا که براساس ضوابط قانونی توسط مرجع صالح ساخته و صادر شده است، پس تقلبی نیست، از طرف دیگر برخلاف واقع هم نیست، چرا که سند برخلاف واقع سندی است که مفاد و محتوای آن بیان‌کننده چیزی باشد که برخلاف واقع و حقیقت باشد، حال آن که دفترچه مزبور هیچ چیزی را برخلاف واقع نمی‌گوید، چرا که به طور دقیق و براساس حقیقت بیان می‌دارد که متعلق به صاحب عکس‌الصاقی در دفترچه می‌باشد، در این میان آنچه برخلاف حقیقت جلوه نموده است دروغی است که توسط ارائه‌کننده دفترچه گفته شده است، زیرا استفاده‌کننده به دروغ دفترچه را متعلق به خود دانسته است، بنابراین دفترچه دیگری نه خلاف واقع است و نه تقلبی و لذا استناد به یک سند و گواهی خلاف واقع که شرط تحقق جرم موضوع ماده ۹۷ می‌باشد صورت نپذیرفته و شرط وسیله که شرط تحقق جرم مذکور است، در اینجا مفقود می‌باشد. بر این اساس به نظر ما خلاف واقع بودن سند و گواهی در اینجا به اعتبار سند یا وسیله جرم است و قانونگذار در خصوص این که ویژگی یا هویت شخص استفاده‌کننده از دفترچه را شرط تحقق جرم بداند مطلبی بیان ننموده است، مضافاً این که تفسیر مضیق قوانین کیفری و نیز تفسیر به نفع متهم نیز موید این نظر است. هرچند نظر مخالفی نیز در این

خصوص وجود دارد که سند مورد اشاره یعنی دفترچه درمانی را نسبت به شخص استفاده کننده خلاف واقع محسوب و استفاده از دفترچه درمانی دیگری را مشمول ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی می‌داند.^۱ به عبارت دیگر طبق این نظر و برخلاف متن ماده ۹۷، خلاف واقع بودن سند و گواهی به اعتبار شخص استفاده کننده در نظر گرفته شده است.

بخش دوم: جعل در اسناد پزشکی

جعل در لغت به معنای دست بردن و ایجاد تغییر در سندهای رسمی به قصد تقلب، ساختن چیزی دروغین، جعلی و تقلبی از اصل آن، مطلبی را ساختن و به کسی نسبت دادن، وضع کردن و ساختن آمده است^۲ و در اصطلاح جعل را این گونه تعریف نموده اند: «جعل و تزویر عبارت است از قلب متقلبانه حقیقت به زبان دیگری به یکی از طرق مذکور در قانون در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر»^۳ «ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر چیزهای مذکور در قانون به قصد جا زدن آنها به عنوان اصل برای استفاده خود یا دیگری و به ضرر غیر»^۴ و نیز «قلب حقیقت به وسیله یک عمل مادی در نوشته های رسمی یا عادی یا چیز دیگر».

جهت تحقق جعل باید عناصر متشکله جرم (مادی، روانی و قانونی) موجود باشند، در بحث از عنصر مادی جعل را به دو دسته شامل جعل مادی و مفادی تقسیم نموده و عناصر متشکله را در این دو قسم به طور مجزا بررسی می‌نمایند. در جعل مادی مرتکب هر کسی را شامل و فعل صورت پذیرفته از مصادیق ماده ۵۲۳ ق.م.ا خواهد بود لکن در جعل مفادی (موضوع ماده ۵۳۴ ق.م.ا.) مرتکب شامل کارکنان ادارات دولتی، مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی عنوان گردیده و فعل صورت پذیرفته در این قسم از جعل تقدیم یا تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی آن در

۱- گروه مولفان، قانون تأمین اجتماعی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۴۲۸.

۲- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، جلد ۳، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴۵.

۳- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳، ص ۶۵۴.

۴- میر محمد صادقی، حسین، پیشین ص ۲۴۸.

حین تنظیم سند، جعل و تغییر اسامی اشخاص در حین نوشتن یا تنظیم قرارداد، امر باطلی را صحیح جلوه دادن یا صحیحی را باطل جلوه دادن و تغییر مفاد قرارداد یا تغییر مضمون نوشته یا سند عنوان گردیده، در ذیل عنصر مادی به بحث گذارده شده است. در هر دو قسم جعل مزبور قابلیت اضرار، به عنوان شرط تحقق جرم و نیز قصد فعل شامل عمد و آگاهی در انجام فعل مجرمانه به قصد تقلب و قصد نتیجه به معنای جا زدن آنها به عنوان اصل برای استفاده خود یا دیگری باید موجود تا جرم محقق گردد. در حال حاضر با توجه به این که در خصوص جرم جعل مقالات، پایان نامه ها، کتب و تقریرات زیادی به رشته تحریر درآمده و راجع به آن سخن های زیادی به میان رفته است. فلذا در بیان عمومات و کلیات جرم جعل به میزان مطالب عنوان شده بسنده نموده و از اطاله کلام خودداری می نمایم و مآلاً به جعل در اسناد پزشکی خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مفهوم و اهمیت اسناد پزشکی

اسناد جمع مکسر از سند است و براساس ماده ۱۲۸۴ ق.م.سند عبارت است از نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد، گاهی به مطلق دلیل (اعم از نوشته و لفظی) گفته می شود که در این صورت مترادف با مدرک است، در اصطلاحات علوم راجع به فقه به روایت یک حدیث سند گفته می شود.^۱

در خصوص تعریف مدارک یا اسناد پزشکی این گونه آمده است: «مدارک پزشکی مفیدترین منبع اطلاعات درباره کیفیت مراقبت های ارائه شده می باشد که بیماری بیمار را شرح داده، تمام واکنش های متقابل قابل ملاحظه مابین بیمار و تمامی ارائه کنندگان مراقبت را در خود داشته، حاوی اطلاعاتی درباره نحوه پاسخ بیمار به درمان بوده و داده ها را به آسانترین و قابل دسترس ترین در خود دارند».^۲

۱- همان، ص ۳۶۴.

۲- سی.ام. فرانسیس، مدیریت بیمارستانی، ترجمه علی کبریایی، چاپ اول، نشر فرزانه روز، ۱۳۷۸، ص ۲۱۳.

وجود اسناد پزشکی از دو جهت حائز اهمیت بوده و مورد استفاده قرار می گیرد، یکی از نظر پزشکی و دیگری از جهت حقوقی، درخصوص فوائد مدارک پزشکی از دو جهت فوق موارد زیر عنوان گردیده است:^۱

- سندی است از انجام مراقبت ها و اعمال انجام شده، آزمایشگاهی و درمانی به اضافه موافقت نامه مبنی بر انجام اعمال جراحی و یا سایر روش ها می باشد.
- به نظارت بر مراقبت ها و پیشرفت زمانی آنها کمک می کند.
- برای بازبینی حال بیمار و انجام اقدام های اصلاحی یا اضافی مناسب مفید است.

- هنگامی که بیمار برای دومین بار پذیرش می گردد برای کسب اطلاعات درباره شرایط قبلی بیمار، درمان انجام شده و نتیجه کسب شده مفید است.
- در مورد ادعای غفلت در مراقبت یا عملکرد نامناسب به عنوان یک مستند مورد استفاده قرار می گیرد.

- درخصوص ادعاهای بیمه ای کاربرد دارد.

.... -

بر این اساس و به جهت اهمیت این گونه اسناد می طلبد تا از هر گونه خدشه و آسیب بر اسناد پزشکی جلوگیری به عمل آمده و از آنها به نحو مناسب حراست گردد. فلذا بنا به مراتب پیشگفت می طلبد تا با افراد یا اشخاصی که نسبت به خدشه دار نمودن اسناد پزشکی اقدام نموده و به انحای مختلف اعتبار اسناد مزبور را دچار مخاطره می نمایند برخورد قاطع و موثر صورت پذیرد. یکی از مواردی که می تواند، به این اسناد تعرض وارد نموده و سبب ورود خدشه بر اسناد مزبور باشد انجام جعل نسبت به این اسناد است.

حال سوالی که در اینجا می تواند مطرح باشد این است که آیا ویژگی خاصی در اسناد پزشکی موجود است تا بتواند شرایط عمومی تحقق جرم جعل را تغییر یا به گونه ای دیگر عنوان نماید؟ و آیا برگه های دفتر چه درمانی و یا سایر اوراق و

فرم‌های چاپی که از سوی مراکز درمانی تهیه و مورد استفاده پزشکان یا سایر نیروهای درمانی قرار می‌گیرد ماهیتاً و به خودی خود سند پزشکی تلقی می‌گردد یا خیر؟ در جهت یافتن جواب سؤال اول ابتدا به سؤال دوم پاسخ گفته، متعاقباً به پرسش نخست خواهیم پرداخت.

بر خلاف این نظر که معتقد است، فرم‌های چاپی خام مورد استفاده در پرونده‌های بیمارستانی مثل برگ پذیرش بیمار و ... به جهت این که توسط مقام ذی صلاح بیمارستانی و به منظور درج مشخصات بیمار، شرح عمل و ... تعبیه گردیده، فلذا یک سند پزشکی تلقی و هرگونه خدشه‌ای در آن جعل در سند پزشکی محسوب می‌گردد. لکن با توجه به ماده ۱۲۸۴ ق.م. که سند را عبارت از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد می‌داند، فلذا به نظر می‌رسد اساساً اتلاق سند به فرم‌های چاپی مذکور صحیح نباشد چرا که فرمی که بدون هیچ گونه نوشته‌ای باشد در مقام دفاع یا دعوی قابل استناد نیست.

بنابراین اولاً سند محسوب نمودن فرم‌های خام مورد اشاره منوط به درج نوشته بر روی اوراق مذکور بوده و ثانیاً اوراق مذکور زمانی سند پزشکی تلقی می‌گردد که نوشته‌های درج شده، توسط کادر درمانی اعم از پزشک، پرستار و ... بر روی برگه‌های موصوف انعکاس یابد. بر این اساس به نظر می‌رسد اوراق یک پرونده را بتوان به دو دسته شامل اوراق اداری و اوراق پزشکی تفکیک و تقسیم نمود و آن بخش از اوراق پرونده که توسط مسئول پذیرش و به طور کلی پرسنل غیر درمانی تکمیل و تایید می‌گردد را اوراق اداری و مابقی اوراق که توسط کادر درمانی نوشته و تکمیل گردیده است را اسناد پزشکی قلمداد نماییم. وفق این نظر به برگه‌های چاپی دفترچه درمانی تا زمانی که دستور یا تجویز پزشک بر روی آن درج نگردیده نمی‌توانیم سند یا به عبارتی سند پزشکی اتلاق نماییم.

حال به سؤال نخست بازگشته و در پی پاسخی برای سؤال مزبور خواهیم بود که آیا در اسناد پزشکی ویژگی خاصی موجود است تا بتوان شرایط ویژه‌ای برای تحقق جرم جعل در آنها در نظر گرفت یا نه؟

همان گونه که عنوان گردید آنچه به سند ماهیت پزشکی می‌دهد، نوع نوشته و نیز ویژگی منعکس کننده مطالب بر روی برگه مزبور می باشد. بدین معنا که اولاً باید مطالب منعکس شده راجع به بیماری، علت بیماری، سیر بهبودی، اقدام‌های انجام گرفته و ... بوده و ثانیاً این موارد توسط مقام صلاحیت‌دار یعنی پزشک یا کادر درمانی در آن اوراق درج شده باشد. پس چنانچه خدمه یا مسئول پذیرش اقدام‌های درمانی را نوشته و امضا نماید ارزش سند پزشکی را نخواهد داشت. همچنین اگر پرستار به جای مسئول پذیرش بیمارستان نشسته و کار پذیرش بیماران را بر عهده گیرد، در این حالت تنظیم برگه پذیرش توسط پرستار، سند مزبور را پزشکی نمی‌نماید.

بنابر آنچه عنوان گردید چنانچه پزشک خارج از بیمارستان اقدام‌هایی را برای فرد انجام و آنها را در یک برگ معمولی منعکس و جهت پیگیری بعدی در اختیار بیمار قرار دهد نیز به عنوان یک سند پزشکی پذیرفتنی است. فلذا آنچه در پزشکی دانستن سند مهم است نوع نوشته و ویژگی نویسنده است. که این دو ویژگی جهت این گونه اسناد در مقررات فعلی راجع به جعل متمایز و تفکیک نگردیده تا شرایط خاصی برای تحقق جرم مزبور در نظر گرفته شود. اما آنچه می‌تواند از این جهت قابل بررسی و حائز اهمیت باشد رسمی یا عادی تلقی نمودن اسناد پزشکی است.

وفق ماده ۱۲۸۷ ق م منظور از اسناد رسمی اسنادی است که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر ماموران رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد، بر این اساس پزشکی که مستخدم دولت بوده و در مراکز درمانی دولتی به کار طبابت و جراحی مشغول است چنانچه اقدام به نوشتن نسخه و یا شرح عمل و ... بر روی برگه های بیمارستانی نماید، در چنین حالتی آیا اسناد پزشکی موصوف را باید رسمی دانست یا عادی؟

هر چند یک نظر ممکن است، بر این عقیده باشد که چون پزشک مستخدم دولت مامور رسمی است و در حد صلاحیت خود اقدام به نوشتن نسخه و ایجاد سند پزشکی نموده است فلذا سند مزبور رسمی و مشمول مقررات اسناد رسمی قرار می‌گیرد، اما به نظر نگارنده هر چند در ماده ۱۲۸۷ ق.م. به تنظیم اسناد نزد ماموران رسمی و در حدود صلاحیت آنها اشاره شده است لکن به نظر می‌رسد منظور از صلاحیت، صلاحیت

اداری است، یعنی صلاحیتی که به سبب اشتغال در آن اداره متبوع برای فرد ایجاد می‌شود، حال آن‌که تجویز نسخه و نوشتن شرح عمل و...، ناشی از ویژگی اداری بودن فرد نیست و کما این که اگر این پزشک مستخدم دولت نیز نمی‌بود و در یک بیمارستان خصوصی اقدام به درمان و انجام اعمال جراحی می‌کرد باز هم اقدام به نسخه‌نویسی و... می‌نمود و فراتر از آن، این صلاحیت نسخه‌نویسی در خارج از محیط‌های درمانی و اداری نیز همراه اوست. چنان‌چه پزشک در منزل شخصی خود نیز اقدام به نوشتن نسخه نماید، نسخه وی معتبر و دارای همان ارزشی خواهد بود که تجویز نسخه‌ای در یک مرکز درمانی یا یک بیمارستان دارا می‌باشد، فلذا در اینجا که نسخه‌نویسی و... ناشی از صلاحیت حرفه‌ای او می‌باشد و ارتباطی با صلاحیت اداری او ندارد، این قبیل نسخ و اسناد پزشکی را باید به عنوان سند عادی تلقی و احکام این قبیل اسناد را بر آنها بار نمود. مضافاً این که با توجه به قید کلمه «تنظیم» در ماده ۱۲۸۷ ق.م.، این که تجویز نسخه یا نوشتن شرح عمل تنظیم محسوب می‌گردد یا خیر؛ خود محل بحث و تردید است.

لکن برخی از اوراق پرونده‌های درمانی مثل برگ پذیرش که توسط کارمند واحد پذیرش و به سبب وظیفه اداری او تنظیم و تکمیل می‌گردد به جهت این که توسط مامور رسمی و در حدود صلاحیت اداری او تنظیم گردیده است، سند رسمی محسوب می‌شود، چرا که این فرد در خارج از اداره و به عنوان مثال در منزل نمی‌تواند برگ پذیرش بستری برای بیمار تهیه و در اختیار او قرار دهد. در خصوص دفترچه‌های درمانی نیز باید عنوان داشت خود اصل دفترچه درمانی که محل الصاق عکس و درج مشخصات و نیز مهمور به مهر سازمان بیمه‌گر می‌باشد، سند رسمی تلقی می‌گردد چرا که توسط مستخدم رسمی و در حدود صلاحیت اداری ایشان تنظیم و صادر گردیده است و همچنین است پزشک قانونی که هر چند دارای صلاحیت پزشکی و حرفه‌ای نیز می‌باشد اما در خصوص ارائه نظرات پزشکی قانونی که ناشی از صلاحیت اداری وی بوده و قائم به شخصیت اداری او است، اسناد صادره رسمی تلقی می‌گردد.

با توجه به مباحثی که درخصوص مفهوم اسناد پزشکی گذشت و نظر به این که اسناد مذکور را عادی قلمداد نمودیم فلذا چنانچه شخصی نسبت به اسناد مذکور، خدشه یا تعرضی وارد نماید، مشمول حکم موضوع ماده ۵۳۶ ق.م.ا. قرار خواهد گرفت.

گفتار دوم: تفاوت سند پزشکی مجعول با سند و گواهی پزشکی خلاف واقع

از لحاظ اصولی و روابط منطقی، هر گواهی و تصدیقی سند است، اما هر سندی تصدیق نیست، لذا تصدیق محاط در سند است و به عبارت دیگر سند اعم است از تصدیق و غیر تصدیق، در اصطلاح منطقیون و اصولیون رابطه بین سند و گواهی عموم و خصوص مطلق است.

گواهی در معنای تصدیقی است که از طرف مقام ذی صلاح صادر و مجوز استفاده از مزایای مقرر محسوب می‌گردد، اسناد برخلاف واقع، اسنادی هستند که ممکن است، مجعول باشند یا نباشند، اما گواهی‌های برخلاف واقع قطعاً مجعول نیستند و صرفاً دروغی را درباره واقعه‌ای بیان می‌دارند، برای تبیین و توضیح مسئله به مثال‌هایی در این خصوص اشاره می‌شود:

پزشکی که با استفاده از تعدادی دفترچه درمانی تأمین اجتماعی مسروقه مبادرت به صدور نسخه می‌کند، فی الواقع سندی برخلاف واقع را تنظیم و صادر کرده، در حالی که سند مجعول نیست، حال اگر این پزشک ابتدا به ساکن مبادرت به ساخت دفترچه درمانی کند و سپس نسخه‌سازی (نسخه‌نویسی) نماید، سندی را برخلاف واقع ساخته که سندی مجعول است.

گواهی استراحت پزشکی، گواهی است که کارگر به موجب آن می‌تواند در طول مدت استراحت از مزایای مقرردر قانون تأمین اجتماعی استفاده نماید. اگر کارگر گواهی مزبور را خود رأساً تهیه نموده و بسازد در این صورت سندی را ساخته است که برخلاف واقع بوده و مجعول است، اما چنانچه این گواهی به شکل خلاف واقع از سوی پزشک دارای صلاحیت صادر گردد، گواهی خلاف واقع محسوب است.

گواهی برخلاف واقع گواهی است که از طرف مقام صالح تنظیم می‌شود؛ لکن با واقعیت و مآوقع منطبق نیست، اما گواهی که از طرف مقام غیر صالح ابتدا به ساکن

ساخته می‌شود، دیگر گواهی خلاف واقع نبوده و سندی است برخلاف واقع که مجعول می‌باشد.

گفتار سوم: استفاده از سند پزشکی مجعول

چنانچه شخصی یک سند پزشکی اعم از نسخه، اسناد پزشکی پرونده بیمارستانی و... را مخدوش و به طرق پیش بینی شده در قانون اقدام به جعل آنها نماید وفق ماده ۵۳۶ ق.م.ا. مورد حکم قرار خواهد گرفت و حتی اگر فرد جاعل و استفاده کننده یک نفر باشد، براساس رای وحدت رویه شماره ۱۱۸۸-۱۳۳۶/۳/۳۰- تعدد مادی برقرار است.

چنانچه پزشک جهت بیمار خود یک عدد آمپول که جزو داروهای گران قیمت نیز محسوب می‌گردد تجویز نماید لکن بیمار قبل از مراجعه به داروخانه تعداد اقلام دارویی را تغییر و آن را به دو عدد افزایش دهد و از سوی دیگر آمپول اضافه را به داروخانه دیگر به شکل آزاد به فروش رسانده باشد، حال چنانچه در دفتر اسناد پزشکی با تطبیق نسخ این امر مشخص گردیده و متعاقباً اعلام جرم صورت پذیرد، در این حالت عمل فرد مشمول کدام یک از عناوین مجرمانه قرار خواهد گرفت.

و یا در یک مثال دیگر پزشکی که در یک روز دو نسخه (یکی دارو و دیگری پاراکلینیک) برای بیمار خود تجویز می‌نماید چنانچه در نسخ مزبور و به جهت این که دو حق ویزیت از سازمان دریافت دارد اقدام به درج تاریخ آینده در یکی از نسخ موصوف نماید و در صورت حساسی که جهت دفتر اسناد پزشکی تنظیم می‌نماید دو حق ویزیت مطالبه نماید، در این حالت پزشک مزبور تحت چه عناوینی قابل رسیدگی خواهد بود؟

در دو مثال فوق بیمار یا پزشک مزبور ابتدا اقدام به جعل و سپس استفاده از این سند و در نهایت مرتکب جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی شده اند. حال سؤال این است که بین این جرائم چه نوع تعددی برقرار است. آیا حالت چنین مرتکبی تعدد مادی است یا معنوی؟

حالت بین جعل سند پزشکی و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی تعدد مادی از نوع متفاوت است. چرا که عنصر مادی آنها و حتی زمان وقوع آنها متفاوت از

هم می‌باشد، اما سؤال اساسی این است که آیا بین جرم استفاده از گواهی مجعول مزبور و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی تعدد معنوی برقرار می‌باشد یا خیر؟

این سؤال در خصوص استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری نیز مطرح بوده است. اکثریت حقوقدانان را نظر بر این است که بین استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری تعدد معنوی برقرار است.^۱

به نظر ما در خصوص استفاده از سند مجعول و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی نیز تعدد معنوی حاکم می‌باشد، تعدد معنوی براساس ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه باشد، وضعیت تعدد معنوی حاکم است، در جرم موضوع ماده ۹۷، فعل توسل جستن به وسیله تقلبی است که در واقع بر همین فعل «توسل جستن» عنوان استفاده از سند مجعول، نیز صدق می‌نماید، پس در اینجا فعل واحد دارای دو عنوان متعدد مجرمانه، یکی استفاده از سند مجعول موضوع ماده ۵۳۶، قانون مجازات اسلامی و دیگری استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی با توسل به وسایل تقلبی است.

در نهایت بین جعل سند پزشکی و استفاده از سند مزبور براساس رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸-۱۳۳۶/۳/۳۰-۱ حتی اگر جاعل و استفاده کننده یک نفر باشد، تعدد مادی برقرار است. فلذا اگر پزشک یا بیمه شده ای با جعل یک سند پزشکی و سپس با ارائه آنها به سازمان نتواند از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی استفاده نماید، به استناد ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۷ همان قانون و رأی وحدت رویه مذکور باید به دو جرم جعل و استفاده از سند مجعول محکوم شود.

لکن چنانچه وی موفق به استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی گردد و موجب ورود خسارت به سازمان تأمین اجتماعی شود، محکوم به مجازات جرائم جعل و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی خواهد شد.

۱- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، پیشین، ص ۳۰۲.

درخصوص دو مثال فوق ذکر این نکته ضروری است که چنانچه بیمار یا پزشک صدرا اشاره با جعل سند و استفاده از آن درصدد استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی برآیند، اما موفق به استفاده نگردند. این افراد باید براساس ماده ۴۷ و ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی علاوه بر مجازات جرم جعل به مجازات جرم استفاده از سند مجعول نیز محکوم شوند، میزان مجازات استفاده از سند مجعول طبق ماده ۵۳۶ ق م ا حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا ۳ تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی می باشد.

حال اگر در دو مثال مزبور شخص بیمار یا پزشک موفق به استفاده از مزایا بشوند، دیگر به مجازات استفاده از سند مجعول محکوم نمی شد و حکم به مجازات ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی صادر می گردید که برای بار اول معادل دو برابر خسارت وارده به سازمان و برای بار دوم و بیشتر ۶۱ روز تا ۶ ماه حبس می باشد، با مقایسه میزان مجازات های مقرر در ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی مشخص می شود که بین آنها چه تفاوت فاحشی وجود دارد، این در حالی است که بیمار یا پزشک جاعل وقتی نتواند، از مزایا استفاده نماید باید به مجازاتی کمتر از حالت دوم یعنی زمانی که موفق به استفاده از مزایا می شود، محکوم گردد. اما این قضیه جریانی عکس داشته و مجازات حالت اول بیشتر از حالت دوم است، در چنین نظام قضایی تقنینی آن حس آرامش و اطمینان که باید از وضع و اجرای قوانین در شهروندان یک جامعه متمدن و آگاه ایجاد گردد، دست نخواهد داد، آن هم جامعه ای که دایه دار صلح و عدالت و مبارزه با تبعیض است.

گفتار چهارم: بیان برخی مصادیق

در پایان به نظر می رسد بیان مصادیقی از جعل اسناد پزشکی و یا موارد مرتبط با آن ضروری به نظر برسد لذا مصادیقی از موارد مزبور به شرح زیر عنوان می گردد:

- تقدم و تأخر تاریخ نسخ (درج تاریخ آینده یا تاریخ گذشته در نسخ تجویزی در

(یک روز)

- مخدوش کردن تعداد اقلام تجویزی

- الصاق عکس بر روی دفترچه درمانی دیگری، درج و یا مخدوش نمودن اعتبار

دفترچه

- ایجاد گواهی پزشکی

- مخدوش نمودن اوراق پرونده های بستری و سرپایی

- ساخت دفترچه درمانی

- اضافه کردن یک یا چند مورد بعد از تجویز نسخه توسط پزشک (اعم از نسخه

دارویی یا پاراکلینیک)

نتیجه گیری و پیشنهادات:

الف) نتیجه گیری:

۱) سیاست کیفری در خصوص مقررات جزایی قانون تامین اجتماعی راجع به صدور گواهی خلاف واقع و نیز استفاده از آن و همچنین استفاده از سند مجعول که در قانون تامین اجتماعی به آنها اشاره شده به جهت عدم اصلاح مقررات کیفری و عدم تناسب جرائم و مجازات های مزبور سیاست کارآمدی نبوده، از دو جهت حفظ نظم عمومی و جنبه ارعایی و پیشگیرانه کافی برای تامین اهداف سیاست کیفری نمی باشد.

۲) از آنجا که علاوه بر اهداف عام مقررات کیفری، این مقررات در قانون تامین اجتماعی هدفی خاص تحت عنوان حفاظت از صندوق سازمان تامین اجتماعی را نیز دنبال می کنند، در این خصوص نیز این مقررات نتوانسته اند کافی برای تامین اهداف مقنن باشند. هرچند قانونگذار در جهت وضع مقررات کیفری خاص در حوزه تامین اجتماعی بوده است. اما براساس مطالب بیان شده، مقررات کیفری تامین اجتماعی نتوانسته است، در تمامی ابعاد نیازهای کیفری تامین اجتماعی مطابق با اهداف مقنن را تامین نماید، به عنوان مثال استفاده از دفترچه درمانی دیگران برخلاف گستردگی و اهمیت موضوع منطبق با هیچ کدام از مقررات کیفری مزبور نبوده و مقررات خاص تامین اجتماعی در این خصوص نتوانسته است، آن را پوشش دهد، علاوه بر این مقررات غیر کیفری نیز در این خصوص تدوین نگردیده است.

۳) حتی بدون در نظر گرفتن قانون تامین اجتماعی و با توجه به تنوع و اهمیت موضوع اسناد و مدارک پزشکی و نیز مدارک مرتبط با آن، قانون خاصی تدوین نگردیده و در متون قانونی تعریف مشخصی از اسناد پزشکی ارائه نگردیده است. به عبارت دیگر قانونگذار جهت اسناد و مدارک پزشکی در مقایسه با سایر اسناد تمایزی قائل نگردیده و اهمیت اسناد مزبور از نگاه قانونگذار مکتوم و پوشیده مانده است.

۴) در خصوص اسناد پزشکی مجعول و یا بطور کلی اسناد مجعول و نیز گواهی های خلاف واقعی که توسط اشخاص مورد استفاده قرار می گیرد قانونگذار موافق با اصول عدالت قضائی به وضع قانون نپرداخته است. چنانچه شخصی اقدام به استفاده از اسناد و گواهی های فوق نموده و موفق به بهره مندی از مزایا گردد نسبت به شخصی که موفق به بهره مندی از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی نگردیده است، مجازات کمتری متحمل می شود که این امر عدم رعایت تناسب جرم با میزان مجازات تعیین شده را به دنبال خواهد داشت.

ب) پیشنهادات:

۱) شناسایی زمینه های وقوع بزه در حوزه تامین اجتماعی و انجام اقدام های لازم جهت از بین بردن زمینه های مزبور.

۲) اصلاح مقررات فعلی براساس آموزه های جدید جرم زدایانه، به شکل اصولی و کلی به گونه ای که از تمام جهات با مقتضیات زمانی و مکانی منطبق بوده متناسب با شرایط روز جامعه باشد.

۳) تدوین و تصویب مقررات خاص در خصوص برخی مجاری سوء استفاده، در جهت تامین اهداف خاص تامین اجتماعی (به عنوان مثال می توان در این خصوص به تدوین قانون خاص در خصوص سوء استفاده از اسناد پزشکی اشاره کرد، از این جهت و نظر به این که بالغ بر ۵۰ درصد جمعیت کشور تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی قرار دارد و به همین تعداد دفترچه درمانی در جامعه توزیع شده است پیشنهاد می گردد در خصوص اسناد پزشکی و در موارد مشابه قوانین خاص - ترجیحاً غیرکیفری - در این حوزه پیش بینی گردد تا با اهداف و منافع سازمان تامین اجتماعی سازگاری و همخوانی داشته و بتواند منافع سازمان تامین اجتماعی را حفظ نماید.

۴) تدوین و تصویب قانون ویژه در خصوص تعرض نسبت به اسناد پزشکی با آیین دادرسی ویژه و با هدف حفظ اعتبار اسناد موصوف و به تبع آن حفظ اعتماد عمومی.

۵) ارائه آگاهی‌های لازم به کادر درمانی و مسئولان بیمارستانی در خصوص نقش و اهمیت مدارک پزشکی و نیز گواهی‌های صادره توسط ایشان و نیز تعریف فرایند و سیستمی نمودن صدور گواهی‌های مزبور.

۶) سیاست‌گذاری در جهت حفاظت از آماج‌های بزهکاری براساس نظریه‌های بزه دیده شناختی، از طریق آموزش کارکنان، بیمه‌شدگان، طرف‌های قرارداد، کارفرمایان و تغییر مکانیسم‌های ارائه خدمات.



منابع و مأخذ:

الف) کتاب‌ها:

۱. آشنایی با دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مرتبط با دفتر کار مامایی و برخی از قوانین ومقررات، معاونت درمان و دارویی، انتشارات روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
۲. آل شیخ مبارک، قیس بن محمد، حقوق و مسئولیت پزشکی در آیین اسلام، ترجمه محمود عباسی، انتشارات حقوقی، بی تا.
۳. پیمانی، ضیال‌الدین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۴. زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، جلد اول، نشر فیض، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۵. سی.ام.فرانسیس، مدیریت بیمارستان، ترجمه علی کبریایی، نشر فرزانه روز، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۶. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم، انتشارات ژوبین / مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۷. شکری، رضا و سیروس. قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات مهاجر، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
۸. عبادی، شیرین، حقوق پزشکی، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۹. کوشا، جعفر، جرائم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۰. گروه مولفان، قانون تامین اجتماعی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۱. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
۱۲. _____، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، چاپ ششم، ۱۳۸۴.
۱۳. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوقی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۵.

۱۴. میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

۱۵. نفیسی، ابوتراب، پزشک را بهتر بشناسیم و با وظایف او آشنا شویم، مجله علمی نظام پزشکی، شماره پنجم، سال ۱۳۴۹ به نقل از: شهریور. فرهان، جرائم و تخلفات پزشکی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناس ارشد حقوق جزا، سال ۱۳۷۷.

(ب) فرهنگ نامه ها:

۱. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۴.
۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد هجدهم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
۴. _____، جلد دوازدهم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۸.
۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد سوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۸۴.
۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.